

نقض حریم ارتباطات مخابراتی مرتبط با امنیت قضایی متهمان و محکومان در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه

بابک پورقهرمانی^۱

مظفر احمدی سربرزه^۲

چکیده

ارتباطات مخابراتی از حقوق اساسی متهمان و محکومان است که به موجب اسناد مختلف، مورد حمایت قرار گرفته است و تنها در موارد استثنایی، توسط قانون‌گذار مجوز نقض داده شده است که ریشه در اصل مشروعیت تحصیل دلیل دارد. هدف این پژوهش، بررسی موارد نقض در قانون آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه است. داده‌ها با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی - توصیفی تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد قانون‌گذار فرانسه به حمایت همه‌جانبه از متهمان و محکومان در تمامی ابعاد حقوق بشری توجه کرده است اما در حقوق ایران، اطلاع‌اندازن به متهمان و محکومان در نقض حریم ارتباطات مخابراتی، با مبانی اخلاقی، شرعی و آزادی‌های شهروندی در تضاد هست و نوآوری تحقیق در توجه به همین موارد نقض است. نتایج نشان می‌دهد رویکرد قانون‌گذاران دو کشور بیشتر امنیت‌گراست تا حمایت از شهروندان. در ایران، تقویت حاکمیت قانون و ضابطه‌مندی در حریم ارتباطات مخابراتی در دادرسی‌ها و در حوزه حریم خصوصی صورت می‌گیرد و در فرانسه حمایت‌های قانونی در دادرسی‌ها و در حوزه حریم ارتباطات مخابراتی است که در نهایت به حمایت‌های کیفری از متهمان و محکومان می‌انجامد.

واژگان کلیدی: آیین دادرسی کیفری، سند امنیت قضایی، شنود تلفنی، منشور حقوق شهروندی، نقض حریم ارتباطات.

۱. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه، مراغه، ایران (نویسنده مسئول)
b.pourghahramani@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته دکتری، حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه، مراغه، ایران

مقدمه

ارتباط با دیگران نیازمند ابزارها و روش‌هایی است که از ابتدایی‌ترین آن در جوامع اولیه شامل تصاویر و نقاشی‌های خالی از ظرافت و زیبایی آغاز شده و به ابزارهای اعجاب‌انگیز دوران کنونی رسیده است (Zar Rokh, 2010: 37-79). در جوامع امروزی ضرورت وجود ارتباط میان شهروندان و دولت موجب شده است بحث از حاکمیت قانون همراه با این مسئله اساسی باشد که قدرت دولت در محدود کردن آزادی شهروندان منوط به وجود اصول و مبانی‌ای است که باید دخالت را توجیه کند (Fallahi, 2014: 65). هیچ‌کس مایل نیست اسرار زندگی شخصی و روابطش برای دیگران فاش شود، به‌ویژه در جامعه‌ای که فرد جزء جدانشدنی خانواده است و چنان پیوند محکمی با خویشان برقرار کرده است که هرگونه هتک آبروی فرد به واسطه افشای اطلاعات حریم خصوصی، پیامدهای اجتماعی جبران‌ناپذیری بر تمامی اعضای خانواده به دنبال خواهد داشت که گاه تأثیر آن تا سال‌ها باقی خواهد ماند (Gholizadeh & Zamani, 2017: 120-130). «رعایت حریم خصوصی و پرهیز از آزار دیگران یکی از ارزش‌های اجتماعی پذیرفته‌شده در تمامی جوامع به‌ویژه جوامع سنتی و مذهبی و مورد توجه و تأکید بوده است و با حرمت‌شکنان آن به شدت برخورد می‌شود» (Tavani, 2008: 9).

در این میان، انجام تعقیب و تحقیقات مقدماتی نباید با حقوق و آزادی‌های افراد تعارض پیدا کند و در مقام تعارض اصولاً باید حقوق افراد را مقدم داشت؛ مگر اینکه مصلحت مهمی خلاف آن را ایجاب کند (Zeraat, 2009: 256). موضوع امنیت با پیشینه‌ای قابل تأمل یکی از مباحث مهم در مملکت‌داری و یکی از پیچیده‌ترین مسائل در علم سیاست و روابط بین‌المللی بوده است (Shaygan, 2011: 96). امنیت آن چیزی است که حقوق جزایی جامعه تعریف کرده است؛ یعنی هر عملی که در سطح فرد یا گروه اجتماعی مغایر با حقوق مدون باشد، ناامنی اجتماعی تولید می‌کند (Amanat, 2012: 157). امنیت پیش‌نیاز حیات هر نظام سیاسی و اجتماعی است و دولت‌ها وقت و امکانات وسیعی را برای تأمین آن صرف می‌کنند (Pourian, 2011: 165). «پرهیز از نقض حریم خصوصی اشخاص که از نظر بین‌المللی ریشه در کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دارد»، مورد تأکید قرار گرفته است (Mead, Larry, 1999: 114). همچنین نباید به بهانه تأمین امنیت در جامعه، حق‌ها و آزادی‌های فردی را نادیده گرفت (Kushki, 2003: 28) و دولت باید از ظرفیت‌ها و پتانسیل ارتباطات

به صورت کاملاً هدایت شده‌ای در راستای دستیابی به اهداف توسعه‌ای و امنیتی استفاده کند (Ghanbari Baghistan, 2014: 174).

رویکرد نظام‌های مختلف حقوقی به ارتباطات مخابراتی متفاوت است. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، حریم خصوصی به‌طور عام حمایت شده و برای ورود به حریم خصوصی (آن‌هم در موارد مجاز) ضروری دانسته شده است. هدف از این پژوهش، بررسی موارد نقض حریم ارتباطات مخابراتی مرتبط با امنیت قضایی متهمان و محکومان در قانون آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه است. در همین راستا قانون‌گذار فرانسه در قانون آیین دادرسی کیفری در مواد ۷-۱۰۰ تا ۷-۱۰۰ و ماده ۹۵-۷۰۶، رهگیری مکاتبات و ارتباطات مخابراتی اشخاص را نظام‌مند کرده است. قانون‌گذار ایران نیز در ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ حریم ارتباطات مخابراتی را ضابطه‌مند ساخته است.

۱. مبانی نظری و مطالعات پیشین

حریم خصوصی یکی از سنگ بناهای تحقق حقوق بشر در جامعه و نظام مردم‌سالار است (Fathi & Shahmoradi, 2017: 230-252). «قانون‌گذار با تعیین حدود و اختیارات دولت و در نظر گرفتن حقوق و آزادی‌های فردی، مصلحت جامعه و نظم عمومی در پاسداری از این حریم گام برمی‌دارد» (Gol Mohammadi, 2016: 4). «ارتباطات خصوصی ممکن است در شکل‌های مختلف مانند ارسال نامه پستی، تلفن، فاکس، وسایل ارتباطی رادیویی، وسایل ارتباطاتی نوین نظیر اینترنت، ایمیل و غیره برقرار شود. برای برقراری انواع ارتباطات خصوصی از واسطه‌های انسانی یا فنی استفاده می‌شود؛ از این‌رو همواره مضمون پیام‌ها، در معرض خطر افشا توسط واسطه‌هاست. همچنین امکان انواع کنترل، پایش و شنود ارتباطات حتی در پیشرفته‌ترین اشکال و فناوری‌های آن وجود دارد و این امر می‌تواند زندگی خصوصی (متهمان و محکومان) را به مخاطره افکند» (Sharifi & Sheidaei, 2017: 76-98). پس از بیان مبانی نظری به بررسی مطالعات پیشین در این زمینه می‌پردازیم.

عباس تدین (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «نظریه بطلان دلیل در فرایند دادرسی کیفری با تأکید بر حقوق فرانسه» نتیجه گرفته است که مشروع و قانونی بودن دلیل به‌تنهایی برای ارائه به دادرس کافی نیست و افزون بر آن، باید با رعایت قانون تحصیل و کسب شده باشد؛ از این‌رو خلأ

موجود در پژوهش، بیان نکردن آثار بطلان ادله کیفری است، ولی در آیین دادرسی کیفری فرانسه مقررات چندی در این زمینه دیده می‌شود. همین نویسنده در تحقیق دیگری با عنوان «مطالعه تطبیقی اصل مشروعیت تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه» ابراز می‌دارد تحصیل دلیل از سوی مجریان عدالت کیفری باید با احترام به حریم خصوصی افراد اجتماع صورت پذیرد تا ادله اکتسابی، ارزش قضایی و مشروعیت ضبط صدا و تصویر افراد بدون اطلاع و آگاهی‌شان، آن‌ها را با مشکل مواجه نکند. خلأ موجود در این پژوهش، چالش‌های احتمالی است که به آن پرداخته نشده است.

مصطفی گل محمدی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «حمایت از حریم خصوصی در دادرسی‌های کیفری ایران و فرانسه» نتیجه گرفته است که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، حمایت از حریم خصوصی اشخاص تقویت شده است. خلأ موجود، برنشمردن حمایت‌های صورت‌گرفته در رابطه با نقض حریم خصوصی در موارد نقض حریم ارتباطات مخابراتی است.

محمد فرجی‌ها و محمدباقر مقدسی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «رویکرد تطبیقی به قاعده نامعتبر شناختن ادله در نظام عدالت کیفری کامن‌لا و ایران» پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند در مقایسه با نظام حقوقی کامن‌لا، مستندات قانونی مربوط به این حوزه در ایران در سطح الفاظ و واژه‌ها باقی مانده است و معتبر نشناختن دلایل به‌دست‌آمده از رهگذر روش‌های غیرقانونی اتفاق می‌افتد. خلأ پژوهش این است که به روش‌های غیرقانونی در حوزه ارتباطات مخابراتی اشاره‌ای نشده است.

الهام حیدری و محمدجواد فتحی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «گستره اصل آزادی تحصیل دلیل در دادرسی کیفری ایران و انگلستان» ابراز می‌دارند که فرایند تحصیل دلیل به منظور شناسایی مجرمان و پیگرد آنان از مهم‌ترین مراحل رسیدگی و محل تقابل جدی حقوق فردی و قدرت عمومی است. خلأ این پژوهش، بی‌توجهی به مبانی حقوق بشری مرتبط با نقض حریم ارتباطات مخابراتی است.

پژوهش حاضر از نظر نوع تحقیق جزء پژوهش‌های کاربردی است، از نظر ماهیت تحقیق از ابزارهای کتابخانه‌ای بهره گرفته است و از نظر نوع تحلیل، روش تحلیلی - توصیفی است.

۲. نقض امنیت قضایی در حریم ارتباطات مخابراتی متهمان و محکومان

در اینجا از طریق رهگیری نامه‌ها و مکاتبات ارسال شده (شنود تلفنی)، نقض حریم ارتباطات مخابراتی متهمان و محکومان و ارائه موارد نقض شده به دادسرا علیه آنان در قانون آیین دادرسی ایران و فرانسه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲. نقض حریم ارتباطات مخابراتی متهمان و محکومان از طریق رهگیری نامه‌ها و مکاتبات ارسال شده، در آیین دادرسی کیفری ایران

رویه قضایی ایران نقض حریم خصوصی اشخاص را جرم و قابل مجازات دانسته است. «حریم مراسلات و مکاتبات افراد نیز از مصادیق حریم خصوصی محسوب می‌شود و رعایت آن مورد تأکید قرار گرفته است. در قوانین عادی و قانون اساسی کشورمان، تضمین‌های قانونی برای رعایت حریم مراسلات و مکاتبات اشخاص پیش‌بینی شده است. از جمله بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است؛ مگر به حکم قانون» (Heydari & Fathi, 2014: 2-32).

امروزه حق اشخاص در حمایت و مصون بودن از تعرض به حریم خصوصی یکی از حقوق و آزادی‌های بنیادین محسوب می‌شود که از مفاهیم نظام‌های حقوقی توسعه‌یافته است و ارتباط نزدیکی با کرامت انسان‌ها دارد (Muezzin & Jahani, 2016: 174). محرمانه بودن مکاتبات و مراسلات اشخاص، امری سنتی است که توسط قانون‌گذار کشورهای گوناگون مورد حمایت قرار گرفته است؛ زیرا به قول برخی حقوق‌دانان شاید بتوان قفل گاوصندوقی را شکست اما نمی‌توان مهر نامه‌ای را باز کرد، زیرا نامه سرب‌به‌مهر برخلاف گاوصندوق هیچ ابزار دفاعی ندارد و نمی‌تواند از خود دفاع کند (Bouzat, 1964: 164).

مصونیت از تعرض به نامه‌ها و مکاتبات ارسال شده از طریق وسایل ارتباطی مخابراتی یکی از حقوق مسلم افراد شناخته شده است و در ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بر احترام به حریم خصوصی اشخاص و حفظ کرامت و حیثیت آنان تأکید شده است.

بهره‌برداری و سایر اشکال نگهداری از مکالمه‌های تلفنی، دخالت جدی در زندگی خصوصی است و حریم ارتباطی مخابراتی در آیین دادرسی کیفری را باید به نفع متهمان تفسیر کرد، چراکه این حریم مفهوم گسترده‌ای دارد و مکالمه‌های تلفنی، ایمیل، فاکس، تلگرام و غیره را

در برمی گیرد. عبارت ارتباطات مخابراتی در ماده ۱۵۰ قانون اطلاق داشته و به نظر منطق حقوقی حاکم بر حریم ارتباطی ایجاب می کند این ماده را شامل تمامی ارتباطات مخابراتی ذکر شده بدانیم تا مصادیق بیشتری را شامل شود و فرد را از نقض حریم ارتباطی مخابراتی در اجتماع مصون نگه دارد. کنترل ارتباطات مخابراتی افراد حتی به عذر ضرورت تحقیق مجاز نیست و از اصل کلی ممنوعیت کنترل ارتباطات مخابراتی، تنها اقدام به کنترل در چند جرم خاص اشاره شده در متن ماده، مستثنا شده اند که در همه جرایم نیز مجاز نیست. در موارد مجاز کنترل ارتباطات مخابراتی، این مجوز تنها در مورد افرادی کاربرد دارد که براساس قرائن و دلایل معقول، متهم یا مظنون به ارتکاب جرایم قیدشده در ماده باشند و به سایر افراد مانند وکلای آن‌ها تسری نمی یابد (Khaleghi, 2014: 151).

۱-۲. قلمرو و گستره مجوز نقض ارتباطات مخابراتی

ارتباطات مخابراتی در ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری شامل مکالمه های تلفنی اشخاص و پیامک و دورنگار می شود و شامل ارتباطات رایانه ای نمی شود و این موضوع تابع قانون جرایم رایانه ای است. استراق سمع^۱ و کنترل ارتباطات مخابراتی به دلیل اینکه جزء حریم خصوصی اشخاص محسوب می شود، ممنوع است؛ مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرایم موضوع بندهای (الف، ب، پ، ت) ماده ۳۰۲ این قانون لازم تشخیص داده شود. قانون گذار ایران با تصویب قانون ۱۳۹۲ که هم اکنون موضوع ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری است، کنترل هرگونه وسایل مخابراتی ارتباطی را که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد، یا برای کشف جرایم موضوع بندهای (الف، ب، پ، ت) ماده ۳۰۲ این قانون لازم باشند، تحت شرایطی مجاز دانسته است. این جرایم (درجه ۱ تا ۴) عبارتند از: جرایم موجب مجازات سلب حیات، جرایم موجب مجازات حبس ابد، جرایم موجب مجازات قطع عضو و جنایت عمدی علیه تمامیت جسمانی در صورتی که میزان دیه ثلث دیه کامل یا بیش از آن باشد. به موجب قانون آیین دادرسی کیفری ایران، هدف مقامات اداری یا قضایی از چنین دستوراتی در مرحله نخست، حفظ امنیت داخلی و خارجی کشور و سپس کشف جرایم موضوع بندهای (الف، ب، پ، ت) ماده ۳۰۲ است.

تشخیص موارد امنیت داخلی و خارجی کشور به موجب مقررات قانونی خاص، بر عهده شورای عالی امنیت ملی است و تبصره یک در این زمینه اعلام می‌دارد شرایط و کیفیات کنترل ارتباطات مخابراتی به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود. انتقاد دیگری که به قانون‌گذار وارد می‌شود این است که هرچند شورای عالی امنیت ملی درباره تشخیص جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی صالح هست و می‌تواند در این‌گونه جرایم شرایط و کیفیات کنترل ارتباطات مخابراتی افراد را تعیین کند، اما درباره تشخیص جرایم موضوع بندهای (الف، ب، پ و ت) ماده ۳۰۲ این قانون، صلاحیت قانونی لازم را ندارد و بهتر بود قانون‌گذار، شرایط و کیفیات کنترل ارتباطات مخابراتی اشخاص مرتکب این‌گونه جرایم را به مرجع دیگری واگذار می‌کرد (Diba Nejad & Shayesteh, 2015: 28).

۲-۱-۲. صدور مجوز نقض حريم ارتباطات مخابراتی در هر یک از موضوعات

در موضوعاتی که به امنیت داخلی و خارجی مربوط است و در مورد جرایم موضوع بندهای (الف، ب، پ، ت) ماده ۳۰۲، چنانچه افراد متهم باشند، تنها توسط رییس کل دادگستری، رییس قوه قضاییه و در مورد محکومان، دادگاه نخستین، برای دستور به این شوندها صلاحیت دارند. چنانچه مقامات خاص (موضوع ماده ۳۰۷) این قانون، هر یک از دو بند فوق را مرتکب شوند؛ در مورد کنترل ارتباطات مخابراتی این اشخاص، با موافقت رییس قوه قضاییه، شرایط و کیفیت کنترل ارتباطات مخابراتی مطابق با مصوبه شورای عالی امنیت ملی است:

- کنترل ارتباطات مخابراتی محکومین با مجوز دادگاه نخستین یا قاضی اجرای احکام امکان‌پذیر است.

- کنترل ارتباطات مخابراتی محکومین با مجوز دادگاه نخستین یا قاضی اجرای احکام امکان‌پذیر است؛

- جرایم موضوع ماده ۳۰۲ به غیر از بند (ث) (جرایم سیاسی و مطبوعاتی)، با موافقت رییس کل دادگستری استان، با تعیین مدت و دفعات کنترل.

قانون‌گذار ایران بر این نکته تأکید کرده است که چنانچه مقامات موضوع ماده ۳۰۷ (افراد خاص) متهم باشند و ارتباطات‌شان از طریق وسایل مخابراتی ارتباطی صورت بگیرد - البته مشروط به اینکه عمل‌شان به امنیت داخلی و خارجی کشور ضربه بزند یا برای کشف جرایم موضوع بندهای (الف، ب، پ، ت) ماده ۳۰۲ این قانون لازم تشخیص داده شود - امکان

رهگیری ارتباطات صورت گرفته از طریق وسایل مخابراتی ارتباطی وجود دارد.

به منظور رعایت حقوق شهروندی این متهمان، کنترل ارتباطات مخابراتی متهمین ماده ۳۰۲ حتماً باید با موافقت رییس کل دادگستری (و متهمین ماده ۳۰۷ (افراد خاص) با تأیید رییس قوه قضاییه) محکومان به تشخیص دادگاه نخستین، صورت گیرد. این دستورات باید از سوی رییس کل دادگستری یا رییس قوه قضاییه یا به تشخیص دادگاه نخستین، با رعایت شرایط پیش بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ صادر شود.

تبصره ۲ نیز به منظور جلوگیری از اقدامات مجرمانه محکومان پرونده‌های قضایی پس از محکوم کردن شان اعلام می‌دارد: «کنترل ارتباطات مخابراتی محکومان جز به تشخیص دادگاه نخستین که زیر نظر آن اجرا می‌شود یا قاضی اجرای احکام ممنوع است». انتقادی که به تبصره وارد می‌شود این است که چنانچه اشخاص و مقامات موضوع ماده ۳۰۲ این قانون به موجب قانون محکوم شوند، آیا مطابق ماده ۱۵۰، برای کنترل مکالمه‌های تلفنی آنان تأیید قوه قضاییه لازم است یا به موجب تبصره ۲، قانون‌گذار تشخیص دادگاه نخستین را که رأی زیر نظر آن اجرا می‌شود و یا قاضی اجرای احکام را کافی دانسته و تأیید رییس قوه قضاییه را در این زمینه لازم نمی‌داند؟ (Diba Nejad & Shayesteh, 2015: 280).

کنترل مکالمه‌های تلفنی اشخاص و مقامات رؤسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان، رییس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرنگاران رهبری، وزیران و معاونان آنان، دارندگان پایه قضایی، رییس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مرکز استان، افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ دومی شاغل در محل‌های سرلشکری یا فرماندهی تیپ مستقل و مدیران کل اطلاعات استان‌ها، منوط به تأیید رییس قوه قضاییه است و این اختیار قابل واگذاری به سایرین نیست.

البته قانون‌گذار برخلاف افراد موضوع صدر ماده ۱۵۰ که کنترل هرگونه ارتباطات مخابراتی را در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد، مجاز دانسته است، درباره اشخاص و مقامات موضوع ماده ۳۰۷ (افراد خاص) تبعیض قائل شده است و کنترل مکالمه‌های تلفنی شان را منوط به تأیید رییس قوه قضاییه کرده است و اعلام می‌دارد... این اختیار قابل واگذاری به سایرین نیست. همچنین از آنجا که قانون‌گذار (رییس قوه قضاییه) نیز به موجب ماده ۳۰۷ جزء اشخاص و مقامات موضوع این ماده است، تکلیف مواردی را که وی مرتکب جرایم مذکور در

این ماده شود، تعیین نکرده است و معلوم نیست چه مقامی باید کنترل مکالمه‌های تلفنی رییس قوه قضاییه را تأیید کند؟ به هر حال شایسته بود قانون‌گذار، قوانین کیفری را درباره همه افراد به نحو مساوات تدوین کند. البته باید گفت از آنجاکه مقام معظم رهبری فرای قانون است، در این زمینه با دستور و نظر ایشان اقدام می‌شود (۲۷۹: ۲۰۱۵، Diba Nejad & Shayesteh).

حریم خصوصی افراد در زمینه ارتباطات تلفنی در مورد مسئولان سیاسی، با افراد عادی در جامعه متفاوت است؛ از این رو حق جامعه برای دانستن درباره هر یک از این دو گروه، با یکدیگر متفاوت است و باید به قوانین شکلی آیین دادرسی کیفری مراجعه کرد.

۳-۱-۲. مدت زمان رهگیری در مجوز نقض حریم ارتباطات مخابراتی

مطابق نص صریح ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری، تعیین مدت و دفعات کنترل تنها در مورد بندهای (الف، ب، پ، ت) ماده ۳۰۲ اشاره شده است، اما در مورد افراد خاص (ماده ۳۰۷) و محکومان، در کنترل مکالمه‌های تلفنی‌شان قیدی از مدت و دفعات نیامده است، برخلاف حقوق فرانسه که مدت آن چهار ماه است.

۴-۱-۲. اجازه ثبت یا عدم ثبت مکالمات دارای مجوز نقض

عدم ذکر مجوز صدور دستورات لازم به مقامات اداری یا قضایی، تکلیفی را برای قاضی تحقیق درباره نصب دستگاه استراق سمع جهت تعقیب متهم ایجاد نمی‌کند و در نهایت تکلیفی برای تحریر مکالمه که در پرونده بایگانی می‌شود و به کشف حقیقت کمک می‌کند، وجود نخواهد داشت.

۵-۱-۲. اجازه ضبط یا عدم ضبط مکالمات دارای مجوز نقض

در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، قیدی از ضبط مکالمات که از طریق وسایل ارتباطات مخابراتی صورت گرفته است، به میان نیامده است و به نظر می‌رسد این امر به نظر قاضی رسیدگی‌کننده واگذار شده است. در همچنین قانون آیین دادرسی کیفری تکلیفی برای مقامات تحقیق درباره ضبط صوتی شنود وجود ندارد و بهتر است قانونی در این زمینه تدوین شود. موضوع این شنودها می‌تواند خطی ارتباطی مانند موبایل یا خط تلفن ثابت یا باجه تلفن و تلفکس باشد. هر شخصی با رعایت محدودیت‌های تعیین مدت و دفعات کنترل شنود می‌شود که در جهت حمایت از حقوق شهروندی و آزادی‌های اساسی است. استراق سمع و پرینت پیامک، تعیین مدت و دفعات کنترل در مورد بندهای (الف، ب، پ، ت) ماده ۳۰۲ می‌تواند در هر نقطه از خاک ایران با استفاده از دستگاه‌های مخابراتی ارتباطی صورت گیرد.

۶-۱-۲. اجازه یا عدم اجازه ترجمه مکالمه‌های دارای مجوز نقض

در قانون آیین دادرسی کیفری ایران قیدی از ترجمه مکالمات به میان نیامده است و اینکه پس از حصول مرور زمان دعوی، تکلیف نوارهای ضبط‌شده چه خواهد شد، مشخص نشده است. همچنین در این میان ذکری از مجوز صدور دستورات لازم به مقامات اداری یا قضایی برای ثبت مکالمات نیامده است و بهتر است مقنن در این زمینه تکلیف را مشخص کند. البته اتخاذ این تصمیمات اگر برای کشف جرایم موضوع بندهای (الف، ب، پ، ت) و یا در مواردی باشد که به امنیت داخلی و خارجی مرتبط باشد، به سایر موارد تعمیم نمی‌یابد.

نکته مهم و کلیدی که خلأ آن در قانون آیین دادرسی کیفری ایران ملاحظه می‌شود این است که درباره مفقودشدن اشخاص، تکلیفی برای قاضی تحقیق مشخص نشده است؛ حال آنکه به جهت اهمیت موضوع لازم است قاضی در این باره به رهگیری ارتباطات مخابراتی متهمان و محکومان دست بزند؛ البته به شرطی که این رهگیری محدودیت زمانی داشته باشد تا به حقوق شهروندان لطمه‌ای وارد نشود.

۲-۲. نقض حریم ارتباطات مخابراتی متهمان و محکومان از طریق رهگیری نامه‌ها و

مکاتبات ارسال‌شده در آیین دادرسی کیفری فرانسه

قانون‌گذار فرانسه در مواد ۱۰۰ تا ۱۰۷-۷ و ماده ۹۵-۹۶-۷۰۶ آیین دادرسی کیفری فرانسه، رهگیری را نظام‌مند و عدم رعایت این مقررات را دارای ضمانت اجرای کیفری ۹-۴۳۲ قانون جزای فرانسه و سبب بطلان ادله دانسته است.

در نظام حقوقی فرانسه تا زمان تصویب قانون ۱۰ ژوئیه ۱۹۹۱ درباره شنودهای تلفنی بدون آگاهی و اطلاع طرفین، این امر جرم و لطمه به حریم خصوصی افراد محسوب نمی‌شد. سرانجام قانون‌گذار با تصویب قانون ۱۰ ژوئیه ۱۹۹۱، مواد ۱۰۰ تا ۱۰۷-۷ قانون آیین دادرسی کیفری را به موضوع رهگیری مکاتبات و ارتباطات صورت گرفته از طریق وسایل ارتباطی - مخابراتی اختصاص داده است. قانون‌گذار فرانسوی با تصویب قانون ۱۰ ژوئیه ۱۹۹۱ که هم‌اکنون موضوع مواد ۱۰۰ تا ۱۰۷-۷ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه است، مقررات نسبتاً جامعی را در این زمینه ارائه داده است.

۱-۲-۲. قلمرو و گستره مجوز نقض ارتباطات مخابراتی

در امور جنایی و جنحه در صورتی که مجازات در قانون برای جرمی دو سال حبس یا بیشتر باشد، قانون‌گذار تفاوتی بین امور جنحه و جنایی قائل نشده است و در کلیه مواردی که مجازات پیش‌بینی شده در قانون برای جرمی دو سال حبس یا بیشتر باشد، امکان توسل به ثبت و ضبط مکالمه‌های تلفنی برای قاضی تحقیق وجود دارد (شامل حفاظت از امنیت ملی، حفاظت از ایمنی عناصر ضروری برای پتانسیل اقتصادی و علمی، جلوگیری از اعمال تروریستی، سرکوب جنایات سازمان‌یافته یا جلوگیری از بازسازی گروه‌های غیرقانونی). در صورت ضرورت، تنها قاضی تحقیق برای دستور به این شنودها صلاحیت دارد. موضوع این شنودها می‌تواند خط ارتباطی خصوصی، اتاقک تلفن یا تلفکس باشد. هر شخصی با رعایت محدودیت‌های ذیل. در جهت حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی شنود می‌شود:

- وکیل: برای جلوگیری از بطلان، رییس کانون وکلا باید مطلع شود. به منظور رعایت حق دفاع متهم، کنترل خط تلفنی وکیل مدافع به منظور ثبت مکالمات وی با متهم باید با اطلاع قبلی رییس کانون وکلای محل صورت پذیرد؛
- نماینده مجلس: برای جلوگیری از بطلان، رییس مجلس باید مطلع شود؛
- قاضی: رییس شعبه اول یا دادستان استان باید مطلع شود؛
- قاضی تحقیق یا افسر پلیس قضایی مأمور از سوی وی می‌تواند هر مأمور صلاحیت‌داری را برای اقدام به تعقیب یک دستگاه ضروری، درخواست کند؛
- تشریفات: قاضی باید تصمیم مکتوبی صادر کند و مدتی را - که نمی‌تواند از چهار ماه تجاوز کند و قابل تمدید است - مشخص سازد.

۲-۲-۲. صدور مجوز نقض حریم ارتباطات مخابراتی در هر یک از موضوعات به تفکیک

مجوز توسط نخست‌وزیر یا کسی که به‌طور کتبی و خاص توسط او مستقیم انتخاب شده است، به درخواست کتبی وزیر دفاع، وزیر کشور یا وزیر مسئول امنیت گمرکات مرزی صادر می‌شود. به موجب این قانون، مقامات اداری نیز مجاز به صدور دستورات لازم برای ثبت برخی مکالمه‌های تلفنی شده‌اند؛ با این همه، قانون‌گذار به علت اهمیت موضوع، شرایط سخت‌تری را در مورد آنان منظور داشته است. هدف مقامات اداری از چنین دستوری باید حفظ امنیت داخلی، امنیت خارجی، امنیت اقتصادی، حفظ حقوق مربوط به سطوح علمی کشور یا مبارزه با تروریسم و جرایم سازمان‌یافته باشد.

این دستور باید از سوی نخست‌وزیر یا دو نفر از افراد منتخب وی و با رعایت سایر شرایط پیش‌بینی شده در قانون ۱۰ ژوئیه ۱۹۹۱ صادر شود (Paul, 1993: 128).

۲-۲-۳. مدت زمان رهگیری در مورد مجوز نقض حریم ارتباطات مخابراتی

مدت زمان برای این امر، چهار ماه و برای مدت پانزده روز قابل تمدید از طریق صدور قرار است. دستور قاضی تحقیق در این زمینه باید برای مدتی محدود و حداکثر برای مدت چهار ماه (قابل تمدید تحت همان شرایط) صادر شود. اتخاذ چنین تصمیمی از سوی قاضی تحقیق باید با توجه به ضرورت تحقیق صورت پذیرد.

در جریان تحقیقات برای کشف علل مرگ یا مفقودشدن اشخاص، قاضی می‌تواند تحت اقتدار و کنترل خود به رهگیری مکاتبات و ارتباطات مخابراتی افراد اقدام کند. این رهگیری نمی‌تواند از یک دوره دوماهه قابل تمدید تجاوز کند (Burikan & Simon, 2009: 157-158).

در جرایم سازمان‌یافته^۱ (ماده ۹۵-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری، قانون ۹ مارس ۲۰۰۴)، در جریان تحقیقات ابتدایی یا شهود، قاضی آزادی‌ها و بازداشت می‌تواند این رهگیری را یک بار برای دوره پانزده‌روزه قابل تمدید از طریق صدور قرار (نه لزوماً دارای توجیه) اجازه دهد.

۲-۲-۴. اجازه ثبت یا عدم ثبت مکالمه‌های دارای مجوز نقض

ثبت مکالمات برای مدت محدود و حداکثر برای مدت چهار ماه قابل تمدید تحت همان شرایط صادر می‌شود. تصمیم قاضی تحقیق مبنی بر ثبت مکالمات، اقدام قضایی تلقی نمی‌شود و در نتیجه قابل شکایت از سوی اصحاب دعوا نخواهد بود. کارمند متصدی ثبت مکالمه باید ساعت آغاز و خاتمه آن را مشخص کرده، نوار مربوط را در پاکتی نهاده و مهر و موم کند تا مانع از مطلع شدن اشخاص ثالث از محتوای آن شود.

۲-۲-۵. اجازه ضبط یا عدم ضبط مکالمه‌های دارای مجوز نقض

در امور جنایی و جناحه در صورتی که مجازات در قانون برای جرمی دو سال حبس یا بیشتر باشد، مجوز ضبط داده شده است. هر ضبطی موضوع صورت جلسه قرار می‌گیرد و در آن، تاریخ و ساعت عملیات ذکر شده و موارد ضبط شده مهر و موم می‌شود. اگر ضبط برای کشف حقیقت مفید باشد، در صورت جلسه‌ای که در پرونده قرار خواهد گرفت، تحریر می‌شود. موارد

ضبط‌شده غیر مفید، با درایت و توجه دادسرا و حداکثر پس از انقضای مدت مرور زمان، معدوم می‌شود. از این عملیات معدوم‌سازی صورت جلسه تهیه می‌شود.

۲-۲-۶. اجازه یا عدم اجازه ترجمه مکالمه‌های دارای مجوز نقض

در صورت ضرورت و معدوم کردن آن پس از حصول مرور زمان دعوی عمومی، باید نسبت به ترجمه مکالمه‌های ضبط‌شده اقدام شود و نوارهای مربوط هم‌زمان با حصول مرور زمان دعوی عمومی، نابود شوند.

۳. نقض حریم ارتباطات مخابراتی متهمان و محکومان و ارائه موارد به دادسرا علیه آنان

پس از بیان موارد پیش‌گفته، موضع قانون‌گذاران دو کشور ایران و فرانسه را در مورد نقض حریم ارتباطات مخابراتی متهمان و محکومان و ارائه موارد نقض شده به دادسرا علیه آنان در آیین دادرسی کیفری ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۳. آیین دادرسی کیفری ایران

آیین دادرسی کیفری ایران به منظور صیانت از حریم خصوصی اشخاص در زمینه مکاتبات و مراسلات^۱ به‌ویژه ارتباطات تلفنی، فنون حفظ اسرارنامه‌ها و رعایت حریم ارسال مراسلات و ارتباطات افراد را مدنظر قرار داده است و مانند حقوق موضوعه اغلب کشورها، از اصلی پیروی کرده است که براساس آن نمی‌توان با واری نامه‌های اشخاص و کنترل ارتباطات تلفنی، اقدام به جمع‌آوری دلیل علیه آن‌ها کرد؛ اما این بدان معنا نیست که امکان بررسی و کنترل مکاتبات و ارتباطات وجود ندارد، زیرا در غالب نظام‌های حقوقی، شرایطی پیش‌بینی شده است که در آن، امکان بازرسی و تفتیش مراسلات و نامه‌های افراد وجود دارد، ولی به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که جز در موارد نادر و بسیار ضروری، اجازه این واری‌ها داده نمی‌شود (Tadayon, 2008: 105). در حقوق ایران، درباره مبانی عدم پذیرش ادله گردآوری شده از راه‌های غیرقانونی به مواردی نظیر بازدارندگی، نظریه «میوه درخت سمی» (Saburi, 2015: 134-136) و حفظ اعتبار نظام عدالت کیفری استناد شده است (Farjiha & Moghaddasi, 2008: 116).

۱-۱-۳. قابلیت پذیرش ضبط مکالمه‌های تلفنی شنودشده

نه در مورد پلیس و نه در مورد مدعی خصوصی، شیوه‌های نامشروع یعنی ضبط مخفی صدا از طریق شنود تلفنی، قابل پذیرش نیست. نظام حقوقی ایران با تصریح به بی اعتبار بودن تحقیقات و اقدامات ناشی از رعایت نکردن قوانین و مقررات، گام‌های ضمنی مؤثری را در ایجاد قاعده بطلان دلیل برداشته است ولی در جهت تبیین آیین دادرسی بطلان و نیز استثنای قاعده ساکت است. تئوری میوه درخت مسموم^۱ چنین بیان می‌کند که هرگاه دلیل نخستین (درخت) به صورت غیرقانونی کسب شده باشد، دلیل متعاقب (میوه) نشئت گرفته از دلیل نخست نیز غیرقابل قبول است. براساس این نظریه، دلیل کسب شده غیرقانونی نباید برای کسب دیگر ادله استفاده شود؛ زیرا دلیل اصلی و اولیه که به صورت غیرقانونی کسب شده است، تمام ادله متعاقب را «لکه‌دار» می‌کند. برخی دادگاه‌ها دلیل دوم لکه‌دار را «دلیل اشتقاقی»^۲ یا دلیل ثانویه نامیده‌اند. این قاعده تنها به رد دلایلی که نتیجه مستقیم رفتار غیرقانونی پلیس است (مانند اقرار اجباری یا اشیای ضبط شده در طول تفتیش غیرقانونی) محدود نمی‌شود، بلکه به رد دلایلی که به صورت غیرمستقیم به‌عنوان نتیجه نقض حقوق اساسی کسب شده‌اند نیز الزام می‌کند. این نظریه در اصل و منشأ با اجرای قاعده رد دلیل نسبت به تفتیش‌های غیرقانونی توسعه یافته است (Moazenzadegan & Soheil Moghadam, 2016: 243-267). اصل مشروعیت تحصیل دلیل^۳ به مفهوم جمع‌آوری ادله کیفری با رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و احترام به شأن و جایگاه عدالت بیان شده است و در این زمینه می‌توان مصادیق مختلفی را برشمرد (Bou-zat, 1964: 172). ادله‌ای که به صورت غیر مشروع تحصیل شده باشند واجد شرایطی چون مدون بودن، شفافیت و همه‌جانبه بودن نیستند.

۱-۲-۳. قابلیت پذیرش ضبط مکالمه‌های تلفنی شنودشده در صورت شکایت یا عدم شکایت خواهان

در مورد شنود تلفنی باید گفت عدم شکایت شخص (خواهان)، مانع صدور حکم بطلان است. قابلیت استنادپذیری صوت در محاکم، از نخستین نمودهای توسعه به‌کارگیری ابزارهای

1. Poisoned Tree Fruit Theory
2. Derivative Reason
3. The principle of Legitimacy of the Study of Reason

الکترونیکی مورد بحث در محافل علمی بوده است. امروزه پذیرش اسناد ضبط شده از طریق وسایل ارتباطی مخابراتی ضرورتی در جهت قبول ادله است؛ از این رو این خلأ که در قانون آیین دادرسی کیفری ایران وجود دارد باید مورد توجه قرار گیرد که صوت نیز به عنوان یکی از ادله دعوا مورد توجه قرار گیرد، نه اماره قضایی.

پس از بررسی نقض حریم ارتباطات مخابراتی متهمان و محکومان در ایران، به بررسی آن در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه پرداخته می شود.

۲-۳. نقض حریم ارتباطات مخابراتی متهمان و محکومان و ارائه موارد به دادسرا علیه آنان در آیین دادرسی فرانسه

قانونی بودن دلیل^۱ برای ارائه به قاضی تحقیق یا دادگاه کافی نیست و علاوه بر آن دلیل باید از سوی اصحاب دعوا یا مجریان عدالت کیفری به شیوه های مشروع و قانونی تحصیل شده باشد؛ از این رو در فرانسه تشخیص بی اعتباری دلیل به اختیار دادگاه ها و اگذار نشده است و این امر به طبیعت قاعده ای که رعایت نشده است، بستگی دارد؛ به عبارت دیگر در فرانسه در مواردی که از آن به بطلان منصوص تعبیر می شود، قانون گذار خود موارد بطلان را اعلام داشته است. ماده ۱۷۱ جدید آیین دادرسی کیفری، نادیده گرفتن مقررات ناظر به موارد بیست گانه احصا شده در این ماده را موجب ابطال تحقیق انجام شده یا دلیل به دست آمده دانسته است. ولی به استناد ماده ۸۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه (مصوب ۴ ژانویه ۱۹۹۳)، در سایر مواردی که در ماده ۱۷۱ به آن ها اشاره نشده است، اعلام بطلان تنها در صورتی امکان پذیر است که تجاوز به ضوابط مندرج از سوی قانون یا عدم رعایت مقررات اساسی شکلی، موجب اضرار به طرف ذی نفع شده باشد.

در مواردی که از آن به موارد بطلان بالقوه تعبیر می شود، ذی نفع می تواند به استناد بند ۲ ماده ۱۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه با صرف نظر کردن از حق شکایت خود، به دلیلی که در تحصیل آن قواعد لازم رعایت نشده است یا تحقیقی که منجر به نادیده گرفتن حقوق قانونی ذی نفع شده است، اعتبار قانونی ببخشد؛ مانند مقررات ناظر به شنود یک مکالمه تلفنی و تشخیص موارد

بطلان که بر عهده مراجع قضایی نهاده شده است (Ashouri, 2009: 331-334). نمونه دیگر بطلان منصوص یا قانونی را می‌توان در عدم رعایت شیوه‌های قانونی درباره رهگیری خطوط ارتباطی اقامتگاه و محل کار نمایندگان یا سناتورها یا وکلای دادگستری یا دادرسان دادگاه ملاحظه کرد که براساس بند آخر ماده ۷-۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری «عدم رعایت شیوه‌های پیش‌بینی شده در ماده حاضر» رسیدگی را در معرض بطلان قرار می‌دهد (Tadayon, 2008: 105).

۱-۲-۳. قابلیت پذیرش ضبط مکالمه‌های تلفنی شنودشده

شیوه‌های نامشروع، ضبط تحصیل‌شده از روش غیر قانونی و ضبط مخفی صدا توسط پلیس غیر قابل پذیرش است؛ اما در مورد مدعی خصوصی قابل پذیرش است، اما آرای دیوان عالی کشور از سال ۱۹۹۴ و رأی ۱۳ ژوئن ۲۰۰۱ بیان کرده‌اند که هیچ مقرره قانونی به قاضی اجازه نمی‌دهد ادله تحصیلی توسط مدعی خصوصی را رد کند (موضوع ضبط حرف‌های زشت ادا شده از طریق تلفن) (Burikan & Simon, 2009: 82). تحصیل ادله بنا بر مرحله‌ای که در جریان آن دلیل کسب می‌شود، متفاوت است. در مرحله تحقیقات پلیس در جرایم مشهود یا تحقیقات ابتدایی، تحصیل دلیل می‌تواند سرری باشد و حضوری نیست. پلیس قضایی می‌تواند هر شخص دارای اطلاعات در مورد اعمال موضوع تحقیق را دعوت و استماع کند. موضوع استماع مطرح است؛ شخص استماع‌شده - حتی مظنون و تحت نظر - شاهد محسوب می‌شوند. استماع، بازجویی، مواجهه، معرفی به منظور تمدید تحت نظر یا بازداشت می‌تواند در چند نقطه از سرزمین فرانسه به کمک وسایل ارتباطی - مخابراتی صورت گیرد (Burikan & Simon, 2009: 83).

۲-۲-۳. قابلیت پذیرش ضبط مکالمه‌های تلفنی شنودشده در صورت شکایت یا عدم

شکایت خواهان

به نظر می‌رسد در رویه قضایی، شنود تلفنی در صورت عدم شکایت شخص (خواهان) مانع صدور حکم بطلان است. مبحث ششم بخش بیست و پنجم کتب چهارم آیین دادرسی کیفری فرانسه (از ماده ۹۶-۷۰۶ تا ۱۰۲-۷۰۶)، با عنوان «صدابرداری و ضبط تصاویر از برخی مکان‌ها یا وسیله نقلیه» به موضوع ضبط صدا و تصویر اشخاص اختصاص یافته است. نکته مهم این است که در سال‌های اخیر شعبه جنایی دیوان عالی کشور فرانسه، ضبط مخفیانه گفت‌وگوهای تلفنی اشخاص را بر مبنای غیر ارادی بودن گفتار یا عدم امکان ارزیابی آن‌ها از روشی که ضبط صورت گرفته است و حتی بر این اساس که افسران پلیس قضایی نمی‌توانند

رأساً به چنین اقداماتی متوسل شوند، نمی‌پذیرد (Pradel, 2007: 375)؛ از این رو رویه قضایی کاملاً روشن و گویاست: ادله متقالبانه و نامشروع نمی‌تواند به پیشگاه عدالت عرضه شود و مقامات دولتی هرگز نمی‌توانند از قواعد مضیق دادرسی کیفری عدول کنند زیرا وصف منصفانه و بی‌طرفانه خود را از دست می‌دهد (Bull, Civ, V. 1997; Ambroise, at.all, 2013: 43)؛ اما متعاقباً در پرونده تخریب اموال متعلق به دیگری از طریق آتش‌سوزی، یک ژاندارم گفت‌وگوی برقرار شده با فرماندار را بدون اطلاع او ضبط کرده و کارشناس نیز بر درستی این انتساب صحه می‌گذارد. فرماندار مشروعیت و اعتبار این ضبط را به علت نقض ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مورد اعتراض قرار داد، ولی برخلاف رویه‌های گذشته شعبه جنایی دیوان عالی کشور با این استدلال که «محتویات نوار به بحث و مذاکره اصحاب دعوا گذاشته شده است و این نوار تنها دلیل تابع ارزیابی قضات نیست»، بر صحت و مشروعیت اقدام ژاندارم در نتیجه اعتبار دلیل تحصیلی، مهر تأیید زد.

بدین ترتیب اصل مشروعیت تحصیل دلیل، به نحو چشمگیری منعطف شده است و برای نخستین بار، ادله زیرکانه ارائه‌شده توسط مقامات تحقیق را پذیرفته است، ولی برای این ادله نامشروع دو شرط در نظر گرفته است: الف) بنا به اصل توافقی بودن، این دلیل باید تابع بحث آزاد اصحاب دعوا قرار گیرد؛ ب) دلیل تحصیل شده به این صورت تنها باید عنصری در کنار سایر عناصر باشد و تنها دلیل پرونده محسوب نشود (Bouloc, 2006: 330)؛ بنابراین در رویه قضایی اخیر فرانسه، با رعایت شرط پیش‌گفته، تحصیل دلیل مخفیانه گفت‌وگوهای تلفنی اشخاص، عملی نامشروع و برخلاف اصل مشروعیت تحصیل دلیل نیست و در نتیجه خدشه به کرامت، عدالت و دادگستری محسوب نمی‌شود. قلمرو این رویه باید محدود و تنها در چهارچوب شنودهای تلفنی مخفیانه تفسیر شود و به سایر اعمال و اقداماتی که می‌تواند در راستای تحصیل دلیل توسط مقامات دولتی صورت گیرد، تسری داده نشود (Tadayon, 2008: 168).

در سیستم حقوق کیفری فرانسه که در آن شواهد موجود برای کمک به تحقیقات در دسترس است و می‌تواند از آن علیه متهم استفاده کنند، جست‌وجوی غیرقانونی در ارتباطات مخابراتی - برای مثال شنود مخابراتی و ضبط آن - که به‌عنوان ادله در نظام‌های حقوقی مورد بحث قرار می‌گیرند، لزوماً برای استفاده در یک دادگاه واقعی در دسترس قضات قرار نمی‌گیرد و اگر قرار گرفت اعتباری ندارد. این قاعده در ایالات متحده آمریکا در حکم انکارکردن مدارکی که از

طریق جست‌وجوی غیرقانونی به دست آمده است و در محکمه‌های جنایی، مورد استفاده قرار می‌گیرد (Pradel, 2002: 17).

در ارتباط با شنود تلفنی نمایندگان مجلس و مجلس سنا، قانون ۸ فوریه ۱۹۹۵ (ماده ۷-۱۰۰-۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه) مقرر می‌دارد رؤسای مجالس مذکور باید در جریان امر قرار گیرند و رعایت نکردن تشریفات مندرج در مواد مذکور، موجب بطلان اقدام انجام شده است. دیوان فرانسه در یکی از آرای نسبتاً جدید خود ضمن تأکید بر ضرورت رعایت حقوق دفاعی متهم در آنچه مربوط به ارتباط او با وکیل مدافع است، متذکر شده است که جز در مواردی که قرائنی دال بر دخالت وکیل در اعمال مجرمانه وجود داشته باشد، قاضی تحقیق باید محرمانه بودن گفت‌وگوهای تلفنی با مشاور حقوقی خود را محترم بشمارد (Ashouri, 2009: 172-173). این تدابیر نباید با شنودهای اداری که توسط نخست‌وزیر به منظور حمایت از منافع ملی دستور داده می‌شوند، در هم آمیخته شود.

در مورد شنودهای تلفنی نیز شعبه جنایی، فقدان شکایت شخصی از سوی خواهان را مانع صدور حکم بطلان دانسته است؛ در حالی که دیوان اروپایی حقوق بشر با این دیدگاه چندان موافق نیست (Lambert, 1998: 2238-2239).

نتیجه‌گیری

سند امنیت قضایی را می‌توان به نوعی اعلامیه حقوق عمومی ایران دانست که به علت تأثیرگذاری، در صورت اجرای اصولی می‌تواند در جهت تضمین حقوق خصوصی از جمله حریم ارتباطات مخابراتی متهمان و محکومان، مثمر و واقع شود. ارتباطات مخابراتی در آیین دادرسی کیفری فرانسه، به دلیل حمایت همه‌جانبه قانون‌گذار در تمام ابعاد نسبت به محکومان و متهمان، نشان از پشتوانه قوی قانون آیین دادرسی کیفری این کشور دارد. حمایت همه‌جانبه قانون‌گذار فرانسه از متهمان و محکومان نشان می‌دهد که از تمامی عمومات غافل نمانده و نشان از سیاست جنایی تقنینی دارد که به تمام ابعاد حقوق بشری توجه کرده است و به جرئت می‌توان گفت در زمینه ارتباطات مخابراتی، بی‌نقص عمل کرده است. رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، حمایت از حریم ارتباطات مخابراتی در دادرسی‌های کیفری است که با مقرر کردن نظام بطلان ادله از طریق شنود غیرقانونی، به حمایت ویژه از حریم ارتباطات مخابراتی پرداخته است.

بیشتر پرونده‌هایی که در فرانسه با نقض حریم ارتباطی مخبراتی برخورد می‌کنند، پرونده‌های جنایی هستند. در فرایند آیین دادرسی کیفری ایران، حمایت از حریم ارتباطات مخبراتی تقویت شده است اما همچنان خلأهایی وجود دارد؛ از جمله اینکه قیدی از ضبط صوتی مکالماتی که شنود می‌شوند و الزام قاضی تحقیق در این مورد، وجود ندارد. همچنین تکلیفی برای قاضی تحقیق درباره نصب دستگاه استراق سمع به منظور تعقیب متهم و در مواردی ترجمه مکالماتی که شنود می‌شود و باید در پرونده بایگانی شود، وجود ندارد. از سوی دیگر در مواردی که نیاز به تحریر مکالمه لازم است، الزامی برای قاضی تحقیق در نظر گرفته نشده است و نکته مهم و اساسی اینکه قانون‌گذار درباره مفقودین، تکلیفی را برای قاضی تحقیق مشخص نکرده است و صدا البته عدم محدودیت زمانی در رهگیری‌ها نیز به این موارد افزوده می‌شود. نتایج تحقیق در آیین دادرسی کیفری فرانسه و ایران نشان می‌دهد قانون‌گذار فرانسه در مورد نقض حریم ارتباطات مخبراتی متهمان و محکومان بهتر عمل کرده است و به نسبت مقام تحقیق ایرانی، به مقام تحقیق خود قدرت بیشتری بخشیده است؛ این امر یعنی وضوح و شفافیت در قانون‌گذاری نه آوردن مفاهیم کلی و گاه ابهام در مفاهیم.

در مرحله دادرسی کیفری در فرانسه و نقض حریم ارتباطات مخبراتی که هم در تحقیقات مقدماتی و هم در تحقیقات رسمی توسط دادگاه صورت می‌گیرد، در مجموع توجه بر حفاظت از حریم ارتباطات مخبراتی است که نقش بازیگران قضایی و اجرایی در آن حساسیت خاصی را می‌طلبد. می‌توان گفت آیین دادرسی کیفری فرانسه با جزئیات بیشتری به حمایت دقیق‌تر و ضابطه‌مندتر از حق ارتباطات مخبراتی پرداخته است. در مقام تطبیق باید گفت، آیین دادرسی کیفری دو کشور کاملاً متفاوت است و این تفاوت‌ها باید در تعریف در نظر گرفته شوند که چگونه دو کشور در حفاظت از حریم ارتباطات مخبراتی شهروندان‌شان - بدون آنکه حریم خصوصی را نقض کنند - می‌توانند هم‌زمان احترام و کرامت شهروندان را حفظ کنند. در اینجا می‌طلبد که قانون‌گذاران و مجریان قانون با حساسیت بیشتری با موضوع برخورد کنند. در همین راستا، مقامات قضایی و اجرایی باید درک درستی از حریم ارتباطی مخبراتی افراد داشته باشند اما این درک باید منطبق با قانون و حفظ حقوق شهروندی باشد تا شهروندان بدون دغدغه خاطر و با فراغ بال، در جامعه زندگی کنند.

حریم ارتباطات مخبراتی اشخاص نیز توسط قانون‌گذاران دو کشور مورد حمایت قرار گرفته

است و مقامات دولتی و اشخاص عادی در حقوق ایران و فرانسه ملزم به احترام به این حریم در تحصیل ادله هستند و نقض آن نیز دارای ضمانت اجرای کیفری دانسته شده است؛ البته بررسی در آیین دادرسی کیفری دو کشور نشان از پیشی گرفتن رویکرد امنیت مدار بر رویکرد حمایت مدار از شهروندان دارد که موازنه را به نفع دولت به هم زده است؛ از این رو قانون گذاران دو کشور باید با حساسیت بیشتری به قانون گذاری و حفظ حریم ارتباطی شهروندان بپردازند.

پیشنهادها

ضرورت دارد دولت ها محدودیت هایی را بر حریم خصوصی متهمان و محکومان تحمیل کنند که نمونه آن در رهگیری نامه ها و مکاتبات ارسال شده از طریق وسایل ارتباطات مخبراتی در آیین دادرسی کیفری دو کشور پیش بینی شده است ولی پیشنهاد می شود:

۱. در تبصره ۳ ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری قید شود که به صرف شبهه یا تردید در کشف جرایم موضوع بندهای (الف، ب، پ، ت) ماده ۳۰۲ و بدون نیاز به تحصیل دلیل، نباید به حقوق خصوصی و حقوق ارتباطی مخبراتی افراد تعرض کرد و در صورت شک، باید نزدیک به یقین اقدام کرد؛

۲. در تبصره ۴ ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری قید شود که درباره مفقود شدن اشخاص و به جهت اهمیت موضوع لازم است قاضی در این باره به رهگیری ارتباطات مخبراتی متهمان و محکومان دست زند؛ البته به شرطی که این رهگیری محدودیت زمانی داشته باشد تا به حقوق متهمان و محکومان لطمه ای وارد نشود؛

۳. در تبصره ۵ ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری قید شود که ادله غیر مشروع حاصل شده از طریق ارتباطات مخبراتی تنها شامل موضوع اتهامی است نه دیگر مواردی که تحصیل شده است تا امکان سوء استفاده از این امر به حداقل ممکن برسد.

منابع

۱. آشوری، محمد (۱۳۸۷). آئین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات سمت، چاپ ۱۰، ویراست ۳، جلد ۲.
۲. اصلانی، حمیدرضا (۱۳۸۶). حقوق فناوری اطلاعات، تهران: نشر میزان، چاپ ۱.
۳. امانت، حمید (۱۳۹۰). «امنیت اجتماعی و ارائه الگوی سنجش آن»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۲، شماره ۲۷، صص ۱۷۵-۱۴۵.
۴. انصاری، باقر (۱۳۸۳). «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلامی تطبیقی و ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶، صص ۵۳-۱.
۵. باقی، عمادالدین (۱۳۹۹). «سند امنیت قضایی و گامی در تابوشکنی»، روزنامه اعتماد. بازنشانی شده در <http://www.etemadnewspaper.ir/fa/پیوندسایت/۱۳۹۹/۷/۲۷>
[main/detail/۱۵۶۷۴۵](http://www.etemadnewspaper.ir/fa/main/detail/۱۵۶۷۴۵)
۶. پوریان، عزت‌الله (۱۳۸۹). «مطبوعات، جرائم اجتماعی و احساس امنیت و آگاهی»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۱، شماره ۲۲، صص ۱۸۵-۱۶۳.
۷. تدین، عباس (۱۳۸۷). «مطالعه تطبیقی مشروعیت تحصیل دلیل از طریق ضبط صدا و تصویر»، فقه و حقوق، سال ۴، شماره ۱۶، صص ۱۲۷-۱۱۳.
۸. تدین، عباس (۱۳۸۷). «نظریه بطلان دلیل در فرایند دادرسی کیفری، با تأکید بر حقوق فرانسه»، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، تحقیقات حقوقی آزاد سابق، شماره ۳۲، صص ۹۴-۷۶.
۹. تدین، عباس (۱۳۸۸). «پیشگیری از نقص حریم خصوصی اشخاص در پرتو اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری»، مجموعه مقاله‌های همایش ملی علمی کاربردی پیشگیری از جرم قوه قضائیه، مشهد مقدس: بنیاد حقوقی میزان.
۱۰. تدین، عباس (۱۳۸۷). مطالعه تطبیقی اصل مشروعیت تحصیل دلیل در آئین دادرسی کیفری ایران و فرانسه، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، به راهنمایی دکتر جعفر کوشا، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۰). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ ۵، جلد ۴.

۱۲. حیدری، الهام و فتحی، محمدجواد (۱۳۹۳). «گستره اصل آزادی تحصیل دلیل در دادرسی کیفری ایران و انگلستان»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱-۳۲.
۱۳. خالقی، علی (۱۳۹۳). نکته‌ها در قانون آئین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات شهر دانش.
۱۴. دیبا نژاد، محسن. شایسته، یعقوب (۱۳۹۴). قانون آئین دادرسی کیفری در نظم کنونی، تهران: انتشارات مجد.
۱۵. زراعت، عباس (۱۳۸۸). آئین دادرسی کیفری ایران با تکیه بر اصول و قواعد، تهران: موسسه فرهنگی دانش‌پذیر.
۱۶. زررخ، احسان (۱۳۸۹). «جرائم مخبراتی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۹، صص ۳۷-۷۹.
۱۷. بوریگان، ژان و سیمون، آن ماری (۱۳۸۸). آیین دادرسی کیفری، ترجمه عباس تدین، تهران: انتشارات خرسندی.
۱۸. شایگان، فریبا (۱۳۸۹). «رسانه و آموزش جرم»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۱، شماره ۲۴، صص ۹۱-۱۱۶.
۱۹. شریفی، عبدالحمید و شیداییان، مهدی (۱۳۹۶). «الزامات تساوی سلاح‌ها در رفتار دادستان و متهم با نگاهی به جرائم اقتصادی»، فصلنامه علوم اجتماعی ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق، سال ۱۱، شماره ۴، پیاپی ۳۹، صص ۱۸۱-۱۴۹.
۲۰. صبوری، پور مهدی (۱۳۹۴). «قاعده رد ادله در حقوق ایالات متحده و مقایسه آن با ضمانت اجراهای مشابه در حقوق ایران»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۹، صص ۱۵۴-۱۲۹.
۲۱. فتحی، یونس و شاهمرادی، خیرالله (۱۳۹۶). «گستره قلمرو حریم خصوصی در فضای مجازی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۱، شماره ۹۹، صص ۲۵۲-۲۲۹.
۲۲. فرجی‌ها، محمد و مقدسی، محمدباقر (۱۳۸۷). «رویکرد تطبیقی به قاعده نامعتبر شناختن ادله در نظام عدالت کیفری کامن‌لا و ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۲، شماره ۳، پیاپی ۵۸، صص ۱۴۴-۱۱۳.
۲۳. فلاحی، احمد (۱۳۹۳). اصل ضرورت در جرم‌انگاری، تهران: نشر دادگستر، چاپ ۱.

۲۴. قلی زاده، آذر و زمانی، عباس (۱۳۹۶). «مطالعه کیفی چالش‌های شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه در زندگی کاربران رسانه»، فصلنامه وسایل ارتباط جمعی رسانه، دوره ۲۸، شماره ۱، پیاپی ۱۰۶، صص ۱۱۹-۱۰۳.

۲۵. قمی اویلی، الهام (۱۳۹۷). «حقوق متهم نزد ضابطین دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، فصلنامه علمی حقوقی قانون بار، دوره ۲، شماره ۶، صص ۴۵۵-۴۳۵.

۲۶. قنبری باغستان، عباس (۱۳۹۳)، «نقش ارتباطات در توسعه مالزی: پیشینه تاریخی، نظام حقوقی و چشم‌انداز آتی»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ۱۰، شماره ۳۷، صص ۱۹۵-۱۷۳.

۲۷. کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۶). «حمایت از حریم خصوصی در مکان خصوصی در مقررات دادرسی کیفری ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸، صص ۱۵۰-۱۳۵.

۲۸. گل محمدی، مصطفی (۱۳۹۵). حمایت از حریم خصوصی در دادرسی‌های کیفری ایران و فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، به راهنمایی دکتر باقر شاملو، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

۲۹. مؤذن زادگان، حسنعلی و جهانی، بهزاد (۱۳۹۴). «مطالعه تطبیقی حقوق خانواده، متهم در فرایند تحقیقات مقدماتی در ایران و فرانسه»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۰، شماره ۶۹، صص ۱۸۴-۱۵۹.

۳۰. مؤذن زادگان، حسنعلی و سهیل مقدم، سحر (۱۳۹۵). «قاعده بطلان دلیل در دادرسی کیفری با تأکید بر حقوق آمریکا»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۳، شماره ۲، پیاپی ۷، صص ۲۶۷-۲۴۳.

۳۱. ویژه، محمدرضا (۱۳۹۰). «امنیت حقوقی به مثابه شرط تحقق امنیت قضایی»، راهبرد، شماره ۵۸، صص ۱۲۰-۹۵.

32. Ambroise. C. C. (2013). "La QPC et le droit pé nal de fond. In : La QPC et la matiè re pé nale". Bruxelles : Bruylant: pp. 29-43.

33. Bouloc. B. (2006). "Procédure Penale", Dalloz, Paris, Sirey, 20^{ème} édition.

34. Bouzat.P. (1964). "La loyauté dans la recherche des preuves, in:

- Coll,problemes contemporains de procedure penal,Melanges Hugueneu”,Paris,Sirey:pp.155-177.
35. Bull.Civ. V. (1997).”Concept of personal life Soc: substitution of the term personal life for the term private life”, N.441.
36. Johnson.D G and nissenbaum. H. (1995).”Privacy and Database,computer,Ethics Infringement of telecommunication freedom in Iran and France criminal procedure”, Englewood,Nj:Prentic Hall.
37. Lambert. C. (1998).”Arret Strasbourg En l’affaire”, France. Recueil des arrets et decisions, (Violation de l’article 8 de la Convention). Arret de la Cour de cassation refusant a une personne toute.
38. Mead.larry. (1999). “Police conduct In the obtaining of evidence application of the codes practice and judicial discretion in the determining of admissibility of such evidence”.
39. Paul. C. (1993). “Giannelli, Junk science: the criminal cases”, Crim. Law Criminol,No. 84:pp. 105-128.
40. Pradel. J. (2002). “Droit pé nal compare”, 2e édition, French Paperback , Publisher: Editions Dalloz, Sirey: pp. 400-405.
41. Pradel. j. (2007). “Manuel de Procedure Penal”, Paris,Cujas,13 eme edition.
42. Tavani. Herman, T. (2008).”Informational privacy: concepts, theories and controversies.the hand book of information and computer ethics”,NJ: pp.131-164.